

# اصلاحات تدریجی به جای شوک درمانی



مجمع کارآفرینان ایران  
Iran Entrepreneurs Forum

**فرهنگ پیمانگان**  
اقتصاد ایران در دهه های اخیر با چالش های گوناگونی روبه رو شده که هر یک به نوعی ثبات اقتصادی کشور را تحت تاثیر قرار داده اند. در حوزه انرژی تشدید قطعی برق و کاهش تولید بنگاه ها همراه با کاهش ارزش افزوده بخش صنعت، رشد اقتصادی را تهدید خواهد کرد. یکی از دلایل اصلی کمبود انرژی در ایران، عدم سرمایه گذاری کافی در زیرساخت های تولید و توزیع انرژی در سال های گذشته است. دولت و بخش خصوصی به دلیل تحریم ها و مشکلات اقتصادی، نتوانسته اند به اندازه کافی در این بخش سرمایه گذاری کنند. این مساله باعث شده ظرفیت تولید برق و گاز در کشور با نیازهای رو به رشد صنایع و خانوارها همخوانی نداشته باشد. کمبود انرژی، به ویژه برق و گاز می تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تورم تاثیر بگذارد. کمبود انرژی به طور مستقیم باعث افزایش هزینه های تولید می شود. صنایع برای تامین نیازهای انرژی خود مجبور به استفاده از منابع جایگزین و گران تر مانند سوخت های فسیلی و ژئوترموال های دیرلی هستند. سومین میزگرد ویژه اقتصادی مجمع کارآفرینان ایران با عنوان «ناترازی انرژی و اثر منفی آن بر صنایع» با حضور حمیدرضا صالحی عضو کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، علی سرزخم رئیس مرکز مطالعات راهبردی مجمع کارآفرینان ایران، علی مختاری پژوهشگر و مدرس دانشگاه لوگانو سوئیس و جمعی از اهالی رسانه در دفتر مرکزی مجمع کارآفرینان برگزار شد.

## ناترازی انرژی چه اثری بر اقتصاد کشور گذاشته است؟

**حمیدرضا صالحی** وقتی نتوانیم به اهداف پیش بینی شده در تولید برق برسیم و هم زمان با افزایش مصرف مواجه باشیم، ناترازی به وجود می آید. در دوران کرونا، صنعت کشور نتوانست به رشد مطلوب دست یابد و حتی اگر چنین رشدی هم رخ می داد، میزان ناترازی بیشتر می شد. باید بررسی کنیم چقدر در چند سال اخیر در بخش برق سرمایه گذاری نشده است؟ سرمایه گذاری در حوزه انرژی معمولا دو تا سه سال زمان می برد تا به نتیجه برسد. در دولت های قبلی، به ویژه دولت هفتم و هشتم، سرمایه گذاری در بخش برق انجام شده اما در دولت های بعدی این روند متوقف شد. دولت هشتم صنعت برق را با ۴۰ هزار مگاوات نیروگاه نصب شده و ۱۷ هزار مگاوات قرارداد در حال اجرا، که نیمی از آنها تا ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشتند، به دولت بعدی تحویل داد. به عبارتی دیگر حدود ۴۳ درصد ظرفیت نیروگاه های نصب شده کشور، قرارداد احداث داشتند. در نهایت دولت نهم و دهم با ۶۰ هزار مگاوات نیروگاه نصب شده و ۵۸۰۰ مگاوات قرارداد احداث، دولت را به دولت یازدهم تحویل داد. در برخی دوره ها، دولت های بعدی نیز در این بخش سرمایه گذاری نکردند و حتی به بخش خصوصی هم اجازه سرمایه گذاری ندادند. ناترازی برق در تمام بخش های صنعت، به ویژه صنعت فولاد، که در ایران برخلاف سایر کشورها از گاز به عنوان منبع اصلی انرژی استفاده می کند، وجود دارد. با توجه به سهم قابل توجه صنعت در رشد اقتصادی، هرگونه آسیب به این بخش می تواند تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد. در سال گذشته، اقتصاد ایران به میزان ۵ میلیارد دلار کوچک تر شد. براساس آمارهای جهانی، ۸۴ درصد سرمایه گذاری های انجام شده در بخش انرژی در سال گذشته، مربوط به انرژی های تجدیدپذیر بوده است. در حالی که در ایران، ۹۵ درصد سرمایه گذاری ها در بخش انرژی به حوزه های غیرتجدیدپذیر اختصاص دارد. امروز راهکارهایی برای رفع ناترازی برق و گاز وجود دارد و این مشکل قابل حل است. با توجه به اینکه ایران دومین کشور دارای منابع گازی در جهان است، به نظر می رسد مسیر سرمایه گذاری و توسعه در بخش انرژی باید به سمت توسعه انرژی های تجدیدپذیر هدایت شود. صنایع کشور مشکلی با پرداخت هزینه برق ندارند، اما انتظار دارند دولت تضمین کند برق پایدار در اختیارشان قرار خواهد گرفت. اگر در دولت جدید مدیرانی که مسئولیت را بر عهده می گیرند، رویکرد گذشته را تغییر ندهند، فاصله ناترازی بیشتر خواهد شد.

## ناترازی انرژی چه تبعاتی برای اقتصاد ایران دارد؟

**علی سرزخم:** برای سرمایه گذاری در بخش های مختلف، ایجاد زیرساخت های مناسب ضروری است که یکی از این زیرساخت ها تامین انرژی است. سرمایه گذاران باید اطمینان داشته باشند که آب، برق و گاز به صورت پایدار تامین خواهد شد. هنگامی که فشارهای مستمر به صنایع وارد می شود، نه تنها صنایع فعلی آسیب می بینند، بلکه صنایع بالقوه ای که ممکن است در آینده شکل بگیرند نیز تحت تاثیر منفی قرار می گیرند زیرا این نگرانی در ذهن سرمایه گذار به وجود می آید که ممکن است مشکلات مشابهی در آینده برای او نیز رخ دهد. این امر به ویژه در شرایطی که کشور به شدت به سرمایه گذاری نیاز دارد، تاثیر منفی بر روند جذب سرمایه گذاری خواهد داشت. یکی از امتیازاتی که به مردم داده شده است، انرژی ارزان قیمت شامل برق، آب، گاز و بنزین است. اما این روش تا حدی امکان پذیر است.

زمانی خواهد رسید که مصرف به شدت افزایش می یابد و دولت توان ارائه این امتیازات را نخواهد داشت. این نقطه، نقطه شکست است و در این وضعیت، دولت یا باید قرارداد اجتماعی را تغییر دهد یعنی امتیازات داده شده را بازپس گیرد یا به نحوی امتیازات دیگری ارائه کند. یا اینکه فشارها بر مردم را افزایش دهد که این رویکرد یک طرفه خواهد بود. این مسائل ریشه در اقتصاد سیاسی دارند. به طور کلی هر چیزی که ارزان باشد، مصرف آن افزایش می یابد و در نتیجه محاسبات اقتصادی دچار اختلال می شوند. در حال حاضر با اینکه ناترازی انرژی کاملا مشهود است، برخی هنوز این واقعیت را نمی پذیرند و تصور می کنند مصرف نادرست انرژی مساله ای جدی تر از کمبود برق است. اگر خانوارهای ایرانی مصرف بهینه ای داشتند، امروز با ناترازی انرژی مواجه نبوده ایم. با این حال هیچ فشاری بر خانوارها برای اصلاح الگوی مصرف وجود ندارد و این موضوع به نوعی به عنوان یک خط قرمز برای سیاستمداران محسوب می شود. در اروپا، به دلیل جنگ روسیه و اوکراین، قیمت انرژی افزایش یافت و دولت ها با جدیت برخورد کردند. اما در ایران، چنین رویکردی وجود ندارد و فشاری به خانوارها وارد نمی شود و کسی هم پاسخگو نیست. در این حال این صنعت است که به راحتی تحت فشار قرار می گیرد و سرکوب می شود. اگر تصمیمات عقلانی اتخاذ می شد، باید خانوارها را فدای صنعت می کردیم، اما متأسفانه عکس این اتفاق افتاده است. در ابتدای اجرای این سیاست، عواقب آن به چشم نمی آید، اما پس از مدتی شاهد آمار و ارقام نگران کننده ای خواهیم بود. کاهش درآمد های تولیدکنندگان بزرگ کشور و اثرات منفی بر اشتغال نیز از جمله پیامدهای آن خواهد بود.

## مدل درست بازار انرژی در ایران چیست و آیا در این وضعیت امکان اصلاح وجود دارد؟

**علی مختاری:** فلسفه فکری حاکمیت در طول سال ها بر این اساس بوده که انرژی ارزان را در اختیار خانوارها قرار دهد. پس از انقلاب اسلامی، ایران به استثنای ایالات متحده و ژاپن، تنها کشوری بود که سرمایه گذاری در بخش انرژی را به شدت محدود کرد. اما پرسش مهم این است که آیا این حجم عظیم یارانه توانسته به بهبود رفاه خانوارها منجر شود یا خیر؟ برای بررسی عمیق تر این موضوع، باید پرسید چه کسانی واقعا از این یارانه ها بهره مند شده اند؟ تحقیقات انجام شده در ایران و سایر کشورها نشان می دهد دهک های پایین جامعه با وجود اینکه اصلاح قیمت ها می تواند آنها را بیشتر در معرض آسیب قرار دهد، از یارانه های انرژی بهره چندانی نمی برند. این پارادوکس یکی از عواملی است که اصلاح بازار انرژی را پیچیده و دشوار می کند. در بیش از ۶۰ کشور جهان، یارانه انرژی به شکل های مختلف پرداخت می شود و حدود ۵۰ درصد از این یارانه ها در کشورهای خاورمیانه توزیع می شود. حتی کشورهایی که با مشکلات سیاسی مشابه ایران روبه رو نیستند، همچنان یارانه انرژی را به مردم پرداخت می کنند. اما سوال اصلی این است آیا این سیاست ها به بهبود رفاه خانوارها منجر شده اند یا خیر؟ از زمانی که مبادله و بازار شکل گرفت، اگر قیمت یک کالا با واقعیت های اقتصادی همخوانی نداشته باشد، ناترازی ایجاد می شود. در بازار، قیمت از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا به مرور زمان تعدیل شده و تعادل بین عرضه و تقاضا را برقرار می کند. اگر امروز سرمایه گذاری در حوزه انرژی پایین است، عامل اصلی آن قیمت گذاری غیرواقعی و دخالت های مکرر در این حوزه است. در آذربایجان، بزرگترین اصلاح قیمت انرژی در ایران صورت گرفت. تجربه این اصلاح می توانست کمک کند از اشتباهات گذشته درس بگیریم، اما متأسفانه این درس ها به کار گرفته نشدند حتی با وجود اینکه دولت وقت یک دولت پوپولیستی بود. پس از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها، سطح رفاه حدود ۷۰ درصد از جمعیت کشور افزایش یافت و دهک های پایین جامعه به دلیل تبدیل یارانه های انرژی به یارانه نقدی، از آن بهره مند شدند. در مقابل، دهک های بالای جامعه که مصرف انرژی بالاتری دارند، به نسبت بهره بیشتری از یارانه ها بردند. یارانه ای که دولت پرداخت می کند، بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. آمارها نشان می دهند این میزان یارانه برابر با ناپوولی ۵ درصد از بخش صنعت کشور است؛ رقمی که حدود ۱۳۶ میلیارد دلار برآورد می شود و GDP بیش از ۷۰ درصد کشورهای دنیا بیشتر است. براساس گزارش های صندوق بین المللی پول (IMF)، یارانه ها به دو دسته پنهان و آشکار تقسیم می شوند. برآورد شده که ایران حدود ۱۰۰ میلیارد دلار یارانه آشکار و ۸۰ میلیارد دلار یارانه پنهان پرداخت می کند که بخشی از این یارانه پنهان به دلیل مالیاتی است که بر مصرف انرژی یابد اعمال شود. این ارقام نشان می دهد بخش قابل توجهی از GDP به صورت مصرف غیرمولد تلف می شود و ایران را به رتبه اول جهان در این زمینه رسانده است. تنها راه حل منطقی بازگشت به تجریبات جهانی و استفاده از راهکارهای موفق دیگر کشورها برای اصلاح بازار انرژی است. یکی از این ایده ها حذف یارانه ها و سرمایه گذاری این منابع در زیرساخت هاست، مانند آنچه در کشورهای اندونزی، عربستان، ونزوئلا، قطر و کویت رخ داده است. اما مشکل اینجاست

که بازدهی سرمایه گذاری در زیرساخت ها زمان بر است و بسیاری از مردم در کشورها، صبر لازم برای انتظار کشیدن و بهبودی از این مزایا را ندارند. به نظر می رسد بهترین اقدام کوتاه مدت برای ایران، مشابه سال ۱۳۸۹ اجرای یک اصلاح قیمتی جدید باشد. اما نقض عمده طرح پیشین، تثبیت مجدد قیمت حامل های انرژی بود. با توجه به چالش های اقتصادی و سیاسی موجود، جایگزین مناسب برای یارانه های انرژی در حال حاضر می تواند یارانه نقدی باشد. البته باید برای گروه های آسیب پذیر و صنایعی که به شدت وابسته به انرژی هستند، تدابیر ویژه ای اندیشیده شود.

## در حال حاضر مدل بهینه برای اصلاح بازار انرژی چه می تواند باشد؟

**حمیدرضا صالحی:** تجارب بین المللی و تجربه برنامه سوم توسعه نشان می دهند همراهی مردم و دولت می تواند به نتایج مثبتی منجر شود. در دوره اجرای این برنامه، قیمت حامل های انرژی به تدریج افزایش یافت و همزمان قدرت خرید مردم نیز بهبود پیدا کرد. تمامی شاخص های رشد اقتصادی مانند اشتغال و تورم نیز در وضعیت قابل قبولی قرار داشتند. بنابراین، بازاجرای آن برنامه کار دشواری نیست؛ هرچند باید به این نکته توجه داشت که سرمایه اجتماعی موجود در آن زمان اکنون به همان اندازه وجود ندارد. برای موفقیت در این مسیر، باید به مردم به صورت شفاف و روشن توضیح داده شود یارانه ای که به آنها پرداخت نمی شود، در کدام بخش ها هزینه خواهد شد. به عنوان مثال، کشور چین با جمعیتی حدود یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر، تنها ۳۳ میلیارد دلار یارانه انرژی پرداخت می کند، در حالی که ایران با ۸۰ میلیون نفر جمعیت، ۱۱۰ میلیارد دلار یارانه اختصاص می دهد. اگر مردم مطمئن شوند که این یارانه به نوعی به خودشان بازمی گردد، احتمالا از این سیاست حمایت خواهند کرد. در حال حاضر، بخش خانگی در برخی از فصول سال تا ۵۵ درصد از کل برق تولیدی کشور را مصرف می کند. ۴۰ درصد از نیروگاه های کشور در مالکیت دولت و ۶۰ درصد دیگر در اختیار بخش خصوصی است. دولت می تواند از سهم ۴۰ درصدی خود، برق یارانه ای را به خانوارها اختصاص دهد. از سوی دیگر، صنایع کشور مخالفتی با پرداخت هزینه بالای برق ندارند و درآمد دولت از فروش برق به این صنایع بسیار قابل توجه است. دولت نگران است با تغییر سیاست ها، این درآمد بزرگ را از دست بدهد.

## تصور می کنید دولت پزشکیان چطور می تواند مسائلی نظیر اعتماد اجتماعی و اقتصاد را رفع و رجوع کند؟

**علی سرزخم:** ما باید قیمت برق را اصلاح کنیم. در بخش صنعتی، ضروری است بازار برق ایجاد شود و در بخش خانگی، قیمت ها از دستوری به سمت واقعی سازی تغییر یابند. این اصلاحات باید ویژگی های خاصی داشته باشند؛ به عنوان مثال، بخشی از یارانه های حذف شده می تواند به صورت نقدی به خانوارهای کم برخوردار پرداخت شود. سعید لیلیا اخیرا پیشنهاد کرده بود برق خانوارهای فقیر رایگان شود و هزینه های آن از طریق افزایش قیمت برق برای افراد مرفه تامین شود. در واقع، بخش اول این طرح (رایگان کردن برق برای خانوارهای فقیر) در دولت روحانی به نام طرح «برق امید» اجرا شد، اما متأسفانه به طور کامل پیاده سازی نشد و نیمه کاره رها گردید. برای انجام اصلاحات اقتصادی، حکومت باید اقتدار لازم را داشته باشد و اقداماتی که به نتایج ملموس منجر شود. ما باید تخصص های نادرست منابع را به متخصص های صحیح تبدیل کنیم. سال گذشته، ۶ میلیارد دلار صرف واردات بنزین و گازوئیل شد که نتیجه آن، آلودگی محیط زیست بود. اگر این مبلغ به جای واردات، صرف بهبود زیرساخت های شهری و ساخت قطارهای سریع السیر می شد و سپس بنزین به عنوان بخشی از رفاهیات مردم با قیمتی واقعی عرضه می شد، جامعه نیز این تغییرات را می پذیرفت. ما می توانیم یارانه های بخش انرژی را به گونه ای مدیریت کنیم که منجر به رفاه بیشتر مردم شود. اگر اقدامات دولت ملموس و قابل مشاهده باشد و مردم ببینند اصلاحات واقعی در حال انجام است، حتما همراهی خواهند کرد اما این نیازمند حکومتی است که شجاعت لازم برای اقدام داشته باشد. تاکید رهبر انقلاب همواره بر اقدام و عمل بوده است اما برخی مسئولان اقتصادی از انجام اقدامات عملی هراس دارند و تنها به نوشتن برنامه ها اکتفا می کنند در حالی که نیاز به عمل داریم. مردم ایران باهوش هستند و اگر ببینند اقدامات عملی در حال اجراست، شرایط را می پذیرند و می توان کشور را به سمت بهبود هدایت کرد. نباید منتظر اصلاح سرمایه اجتماعی بمانیم؛ چراکه این فرآیند ممکن است زمانبر باشد و پیشرفت کشور را متوقف کند. در حالی که برخی روشنفکران نسخه هایی ارائه می دهند که نیمی درست و نیمی نادرست است، باید به یاد داشت نمی توان کشور را رها کرد تا سرمایه اجتماعی خود به خود اصلاح شود. لازم است اقدام کنیم و به جلو حرکت کنیم. مردم ممکن است در ابتدا مخالفت کنند اما پس از دیدن نتایج مثبت، همراه خواهند شد. متأسفانه هیچ دولتی تاکنون جدیت کافی برای انجام

اصلاحات اقتصادی در ایران نداشته است. تنها فردی که در این مسیر جدی بود، هاشمی رفسنجانی بود. خاتمی با اصلاحات اقتصادی همراه نشد، روحانی نیز به طور کامل این اصلاحات را نپذیرفت و گام های بعدی را برنداشت. محمود احمدی نژاد هم اعتقادی به اقتصاد نداشت. اکنون در شرایطی هستیم که باید به جلو حرکت کنیم. حاکمیت و مردم نیز در این امر دولت را همراهی می کنند. همه می دانند دیگر نمی توان قیمت بنزین را به شکل کنونی حفظ کرد. به نظر من، شرایط قابل اصلاح است. در انجام اصلاحات اقتصادی نباید نسبت به یک ابزار خاص سوگیری منفی داشته باشیم. باید به دقت بررسی کنیم که در هر موقعیتی از چه ابزاری استفاده کنیم، بدون اینکه از پیش قضاوتی داشته باشیم.

## باید چه نوع سیاستی در کشور اجرا شود که اصلاحات اقتصادی حتی برای بخشی از جامعه که مشکلات معیشتی دارند، قابل قبول باشد؟

**علی مختاری:** با وجود شرایط کنونی، من معتقد به اعمال شوک های سنگین در جامعه نیستیم؛ چراکه این نوع اقدامات معمولاً هزینه های سنگین و عواقب زیادی به همراه دارد. ما باید از تجربیات موفق سایر کشورها و همچنین از اشتباهات خودمان، مانند تجربه آبان ۹۸، درس بگیریم. مطالعات نشان می دهد پس از هدفمندسازی یارانه ها در سال ۸۹، مصرف غذایی دهک های پایین جامعه حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یافت، به این معنا که خانوارها یاد گرفته اند چگونه مصرف و رفاه خود را تنظیم کنند. ثروت ملی که پیش تر برای دهک های بالا و عمدتا پر مصرف هزینه می شد، در شرایط هدفمند شدن به شکل بهتری بازتوزیع می شود. باید توجه داشت که توزیع ذی نفعان هدفمند و اصلاحات انرژی یکسان نیست. دهک های بالا به دلیل عدم نیاز به حمایت از این اقدامات، کمترین بهره را خواهند برد، در حالی که دغدغه اصلی سیاستگذاران در تمام دنیا دهک های پایین جامعه هستند. دهک های پایین جامعه ایران به طور میانگین از یارانه نقدی انرژی بهره مند خواهند شد و اصلاحات انرژی می تواند به نفع این گروه ها و حتی حمایت از سیاستگذاران منجر شود؛ هرچند ممکن است با مخالفت هایی از سوی دهک های بالاتر مواجه شود. این اصلاحات باید به صورت دقیق، پایدار و با اطلاع رسانی مناسب به جامعه انجام شود. اگر اصلاحات بازار انرژی به درستی اجرا شود، می تواند وضعیت فقر و نابرابری در ایران را بهبود بخشد. افزایش قیمت بنزین از ۱۵۰۰ تومان به ۳۵ هزار تومان قطعاً شوک بزرگی ایجاد می کند، اما افزایش تدریجی از هزار تومان به سه هزار تومان شوک کمتری خواهد داشت. در آبان ۹۸، مجموعه ای از اشتباهات شامل زمان بندی نادرست، تعارض های حاکمیتی و تنش های قبلی موجب بروز بحران شد. در فروردین ۹۸، بسیاری از استان ها با سیل مواجه شدند و براساس گزارش ۳۵، هزار میلیارد تومان خسارت وارد شد. به نظر من، این زمان مناسب ترین فرصت برای افزایش قیمت بنزین بود. زیرا مردم در شرایطی بودند که دولت به دلیل تحریم ها و بحران های طبیعی تحت فشار بود و این افزایش قیمت می توانست به خوبی توجیه شود. ما این فرصت ها را از دست دادیم و اصلاحات را در زمان نامناسبی انجام دادیم. مردم به راحتی با اصلاحات اقتصادی همراه نخواهند شد. باید به طور هدفمند از ثروتمندان مالیات گرفت، طبقه متوسط را متقاعد کرد و از فقیرها حمایت کرد. نمی توان همه را راضی کرد. پایین نگه داشتن قیمت ها در بخش انرژی، یک بازی همه سر باخت است.

**حمیدرضا صالحی:** به نظر من اقتصاد کشور به یک نیروی مولد نیاز دارد. برای اصلاح ساختار در حوزه انرژی و روابط بین الملل و تبدیل آن به ثروت و رونق اقتصادی، به حمایت طبقه متوسط نیاز داریم. عملکرد موفق طبقه متوسط می تواند به بهبود وضعیت طبقات پایین جامعه کمک کند. متأسفانه سیاست های نادرستی مانند قیمت گذاری دستوری و رقابت ناعادلانه باعث تضعیف طبقه متوسط شده است. لذا در نخستین گام باید اقداماتی انجام دهیم تا طبقه متوسط دوباره به وضعیت مطلوب خود بازگردد. باید شاخص های کسب و کار را بهبود داده و از تجربیات موفق دیگر کشورها بهره برداری کنیم. به طور متوسط، سیاست های چندترخی ارز موجب اختلال در کسب و کارها شده است و تا زمانی که این مشکلات اصلاح نشود، طبقه متوسط نخواهد توانست نقش مؤثر خود را ایفا کند. این روزها نیروهای متخصص که عمدتاً از طبقه متوسط هستند و در دانشگاه ها و بنگاه های اقتصادی آموزش دیده اند، قادرند کشور را از وضعیت کنونی نجات دهند. در اکثر کشورها اقتصاد توسط بخش خصوصی رونق می یابد اما در ایران هنوز تاکید بر نقش دولت در اقتصاد وجود دارد. جای تأسف است که در این کشور، شبکه ریلی تکمیل نشده، قطار برقی وجود ندارد و هنوز مشکلاتی در حوزه خودرو و هواپیما داریم. همچنین، حتی ۱۰ درصد از جامعه نیز در لیست پیشنهادی دولت برای وزیرا قرار ندارند. اشتباهات مکرر منجر به دلزدگی بخش خصوصی و افزایش مهاجرت صنعتگران و کارآفرینان شده است. اگر طبقه متوسط رشد نکند و فضای کسب و کار بهبود نیابد، وضعیت اقتصادی کشور نیز اصلاح نخواهد شد.